

تشکیل اتحادیه کشورهای محور مقاومت راهکاری در تحقق بند چهارم بیانیه گام دوم

فاطمه نعمت الهی^۱، محمد حسین رامشت^۲

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

در منشور گام دوم انقلاب در بند فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور و ماده ۶، یعنی بخش توصیه‌ها، سخن از بازار منطقه‌ای و موازنه قدرت منطقه‌ای به میان آمده است. اندیشکده آمایش بنیادین در تحقق این آرمان به نقش منطقه‌ای ایران در اصول پنج‌گانه الگو (مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر) پرداخته است. در بند پنجم افق از نگاه آمایش سرزمینی در افق ۱۴۴۴ آمده است: «ایران در آن زمان باید از جمله کشورهای محور اتحادیه منطقه‌ای در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منبعث از شکل‌گیری تمدن دریاپایه و قاره‌پایه باشد.» اما راهکارهای دستیابی به چنین هدفی را در تحقق تمدن قاره‌پایه و دریاپایه بدون توجه به عملکرد قدرت‌های فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر نمی‌داند. براساس عملکرد کشورهای خارج از منطقه (چین و آمریکا)، باید به نکته‌ای ساختاری در تغییر مدیریت منطقه‌ای اشاره کرد و آن اینکه خروج آمریکایی‌ها از منطقه اکنون امری تأیید شده است. این مسئله خلأ سیاسی را در منطقه به دنبال خواهد داشت که با نقش آفرینی کشورهای غربی ناآرامی‌های قومی و امنیتی را ایجاد خواهد کرد. از طرف دیگر، عملکردهای یکجانبه‌گرایی آمریکایی‌ها سبب تقویت دو اتحادیه آسیایی در منطقه شده است؛ از این رو احتمال موازنه اقتصادی در این زمینه در آینده وجود خواهد داشت.

این مقاله براساس متن بیانیه گام دوم انقلاب و راه‌های تحقق آرمان‌های درج‌شده در این منشور برای تحقق نقش منطقه‌ای ایران، سعی دارد زمینه و الزامات تحقق چنین هدفی را در حوزه آمایش بنیادین تشریح و با روش پدیدارشناسی با رویکرد تحلیل‌هایدگری که گامی فراتر از بررسی عینیت‌های ملموس و هندسه ابزاری است، به استنتاج روند تحولات آینده در جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش حکایت از آن دارد:

۱. پژوهشگر پسادکتری ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان
۲. استاد ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان



- منطقه آسیای جنوب غرب به زودی با خلأ قدرت روبه‌رو خواهد شد و خلأ قدرت، ناپایداری و واگرایی سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

- یکی از علت‌های خروج آمریکایی‌ها از منطقه آن است که برخلاف شاخص‌های برتری فعلی که در حوزه مسائل اقتصادی و اجتماعی مطرح است، از هم اکنون شمار اختراعات و ابداعات جایگزین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی شده و چینی‌ها گوی سبقت را در این زمینه از حریف غربی خود ربوده‌اند. بنابراین دیگر نفت خاورمیانه راهبرد کلان غرب برای تسلط بر جهان به شمار نمی‌رود.

- شرط لازم برای جایگزینی خلأ قدرت ایجاد یک قدرت منطقه‌ای با عنوان اتحادیه کشورهای محور مقاومت است که نه تنها جایگزین خلأ قدرت در منطقه خواهد بود که در برابر اتحادیه شانگهای و اتحادیه کشورهای اوراسیا، توان موازنه قدرت را خواهد داشت.

- با تشکیل این اتحادیه با عضویت یمن، عمان، افغانستان، ایران، عراق، سوریه و لبنان عملاً کانون فتنه در آسیای جنوب غرب یعنی رژیم صهیونیستی در محاصره قرار خواهد گرفت.

- اتحادیه کشورهای محور مقاومت دارای ساختاری بر مبنای فرهنگ و اقتصاد است و می‌تواند از پارلمان مشترک، نهادهای مدیریتی مشترک، پول مشترک و قوانین اقتصاد ترجیحی و اقامتی برخوردار باشد.

واژگان کلیدی

اتحادیه، کشورهای محور مقاومت، موازنه قدرت، آمایش بنیادین، پدیدارشناسی

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد، در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران ارائه شده است.

در بخشی از منشور آمده است فرصت‌های مادی کشور فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد، پرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش دهند و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی



واقعی دارای اعتماد به نفس‌کنند و مشکلات کنونی را برطرف سازند. ایران با داشتن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است. منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون نفر جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصل‌خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، و اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است و بسیاری از ظرفیت‌ها هم دست‌نخورده مانده است. در ماده ۶ بخش توصیه‌های بیانیه نیز «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت، و مصلحت‌در روابط بین‌المللی دانسته و بیان شده است. صحنه جهانی امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته‌اند یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

در این دو بند از بیانیه، درباره بازارهای بزرگ منطقه‌ای، اقتصاد بزرگ و متنوع و توازن منطقه‌ای سخن گفته شده است. بنابراین پژوهش پیش رو که به دنبال تبیین و تحلیل چگونگی تشکیل اتحادیه کشورهای محور مقاومت است، راهکاری در تحقق بند ۴ از بخش انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم به شمار می‌آید.

اندیشکده آمایش بنیادین نیز به نقش منطقه‌ای ایران در اصول پنج‌گانه طرح الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که در آن مهم‌ترین مبانی و آرمان‌های پیشرفت و افق مطلوب کشور در پنج دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای دستیابی به آن طراحی شده است و مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر را دربردارد، پرداخته است و به نکته‌ای ساختاری در تغییر مدیریت منطقه‌ای اشاره دارد. این پژوهش بیشتر به الزامات تحقق چنین آرمانی می‌پردازد و شرایط لازم برای تحقق آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

بررسی جامع فرایند ایجاد اتحادیه‌هایی همچون اتحادیه اروپا، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتحادیه شانگهای و توازن قدرت و خلأ قدرت، در روند مطالعات و نتایج این پژوهش



بسیار مؤثر و ضروری است. از این رو به ذکر پاره‌ای از تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌پردازیم:

سازمان ملل در کتابی الکترونیکی با نام Treaty on the Eurasian Economic Union، 2016 که در سایت این نهاد بین‌المللی منتشر شده، به بررسی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و فرصت‌ها و چالش‌هایی که این اتحادیه به اعضای خود می‌دهد، پرداخته است. این اتحادیه فعالیت خود را رسماً از ابتدای ژانویه ۲۰۱۵ آغاز کرده است. هدف این اتحادیه، ایجاد فضای واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه‌های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست‌های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل و نقل اعلام شده است. «اتحادیه اروپا؛ سیاست‌ها و روندها» اثر جان مک کورمیک (۱۳۹۰) یکی از آثار جامع تدوین شده درباره اتحادیه اروپاست که در سه بخش اصلی نگارش شده است. در بخش اول به ریشه‌های نظری، فرایند تاریخی و حوادث مؤثر بر شکل‌گیری اتحادیه اروپا می‌پردازد. در بخش دوم نهادهای مختلف این اتحادیه از حیث کارکردی و ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش سوم فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری‌های این اتحادیه در بخش‌های مختلف سیاسی اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است.

راجا شانکار (۱۳۸۸) از جمله محققینی است که تأثیر سیاست‌های اتحادیه اروپا را بر توسعه منطقه‌ای بررسی کرده است و درس‌هایی از پیوستن به سایر کشورها را که اهداف مشابهی را دنبال می‌کنند، ارائه داده است. نتایج تحقیقاتش مؤید آن است که سیاست‌هایی که برای ایجاد یک بازار مشترک داخلی به کار می‌روند زمینه‌ای ایجاد می‌کنند که مناطق فقیرتر به مناطق وسیع ملی و اقتصاد جهانی که دارای پتانسیل بیشتری برای افزایش درآمد منطقه‌ای همگرا هستند، ملحق شوند. در این راستا، رفع موانع تجاری و عامل تحرک و فراهم آوردن امکانات دسترسی به اطلاعات و فناوری برای مناطق توسعه‌نیافته باید اولویت‌های اصلی سیاست توسعه منطقه‌ای باشد.

شیرازی و همکاران (۱۳۹۳) جایگاه فرهنگ در هویت مشترک اروپایی و همگرایی اتحادیه اروپا را مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان در این نوشتار تلاش دارد ضمن بررسی مجزای



ابعاد مختلف دین و فرهنگ در اروپا و اتحادیه اروپا، با تکیه بر نظریه سازه‌انگاری و رویکرد فرهنگ راهبردی، جایگاه فرهنگ را در هویت اتحادیه اروپا مورد واکاوی قرار دهد.

مرادی (۱۳۸۷) در نوشتار «سازمان همکاری شانگهای قدرتی توازن‌بخش»، به تحلیل همکاری راهبردی روسیه و چین در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای آن بر دورنمای امنیتی اروپا می‌پردازد و با استفاده از تئوری موازنه قوا، روابط چین و روسیه در سازمان همکاری شانگهای را به عنوان موازنه نرم علیه یکجانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا در عصر پس از جنگ سرد مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

هدف از مطالعات کمایی‌زاده (۱۳۸۹) پرداختن به تأثیرات جهانی شدن بر سیاست‌های منطقه‌ای یا اصولاً منطقه‌گرایی با تأکید بر سازمان شانگهای است. منظور از جهانی شدن در این پژوهش فرایند افزایش ارتباطات بین جوامع است؛ به گونه‌ای که وقایع و تحولات یک گوشه از جهان به طور فزاینده‌ای بر مردم و جوامع سوی دیگر جهان تأثیر بگذارد.

شفیعی (۱۳۸۹) در مطالعاتی با عنوان «سازمان همکاری شانگهای؛ جامعه امن نوظهور» درصد پاسخ‌گویی به این سؤال است که سازمان همکاری شانگهای در کدام یک از مراحل سه‌گانه جامعه امن یعنی جامعه نوظهور، بانده و بالغ قرار دارد.

شفیعی (۱۳۸۵) در مقاله «سازمان همکاری شانگهای و نسل سوم منطقه‌گرایی در آسیا»، پس از بررسی شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌گرا در آسیا، عملکرد سازمان همکاری شانگهای به عنوان سازمانی وسیع با اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی را مطالعه و چالش‌های پیش روی آن از جمله تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مذهبی را تجزیه و تحلیل می‌کند.

مصلی‌نژاد (۱۳۹۱) در مطالعاتش به تبیین پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه براساس تغییر در مدل موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق حکایت از آن دارد گرچه جلوه‌های هستی‌شناسانه تحولات خاورمیانه بر اساس بیداری اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما کشورهایی که نقش رقیب منطقه‌ای ایران را ایفا می‌کنند درصد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای هستند. این امر در میان مدت ژئوپلیتیک خلیج فارس و خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

هدلی بال (۱۳۶۸) در مقاله‌ای با عنوان «توازن قدرت و نظم بین‌المللی» به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهد که توازن قدرت چیست؟ چگونه توازن قدرت به نظم بین‌المللی کمک می‌کند؟ رابطه توازن قدرت با حفظ نظم بین‌المللی چیست؟

میرفخرایی (۱۳۶۶) در نوشتار «مباحث روابط بین‌الملل، نظریه موازنه قوا» مطرح می‌کند توازن قوا را سیستمی از اتحاد قدرت‌هایی می‌داند که در آن صلح و امنیت ممکن است از طریق برابری نسبی قدرت میان دو بلوک رقیب برقرار شود. کشورهای تأثیرگذار در سیستم موازنه قوا به اتحاد با ممالک دوست متوسل می‌شوند تا ضمن حفاظت از خود، موقعیت قدرتی بهتری در قیاس با دیگران به دست آورند.

سازمند و همکاران (۱۳۸۹) در اثر خود به نقد و بررسی کارآمدی نظریه موازنه قدرت والتز در عصر حاضر پرداخته‌اند. در این نوشتار پنج مؤلفه اساسی شامل آنارشی، قطبیت، تعادل قدرت، موقعیت ژئوپلیتیک و ادراک رهبران که رفتار راهبردی یک کشور را متأثر می‌سازند، مورد بررسی قرار گرفته است. تأثیر این مؤلفه‌ها به نحوی است که نتیجه آن متفاوت از نظریه موازنه قدرت والتز بوده است و کشورها بیشتر تمایل دارند رفتار راهبردی غیرتوازنی را دنبال کنند و بدین ترتیب به بی‌ثباتی موازنه قدرت در نظام بیشتر دامن می‌زنند.

حقانی (۱۳۹۷) در مطالعات خود به اهمیت راهبردی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. سؤال اصلی که در مطالعات وی مطرح می‌شود این است که «محور مقاومت از چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟» در پاسخ به این سؤال این فرض مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد ایجاد و حفظ محور مقاومت و حمایت از اعضای آن برای حفظ توازن و قدرت منطقه‌ای، افزایش عمق راهبردی ایران در منطقه و جلوگیری از کشیده شدن جنگ به داخل مرزهای ایران از جایگاهی راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.

مرادیان (۱۳۸۶) به تاریخچه تفکر منطقه‌گرایی در اروپا و ایران اشاره دارد و نظریات هانتینگتون، اسپایکمن و هاس را مورد بررسی قرار می‌دهد و عوامل مؤثر بر منطقه‌گرایی ایران را تبیین می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که از میان سه الگوی مورد بررسی، الگوی همکاری با کشورهای عضو پیمان شانگهای بیشترین منافع را برای ایران داشته است. صالحی و زارع (۱۳۹۶) در مطالعات خود به خلأ قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه پرداخته و بدین نکته اشاره کرده‌اند که در کنار همه عوامل تأثیرگذار در گسترش ناامنی در خاورمیانه، وجود خلأ یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار جهانی باعث افزایش واگرایی بیشتر کشورهای صاحب نفوذ در خاورمیانه شده است. چرخش سیاست خارجی آمریکا به سوی آسیا و تبدیل خاورمیانه به اولویت دوم برای آن کشور باعث شده است اقدامات آمریکا

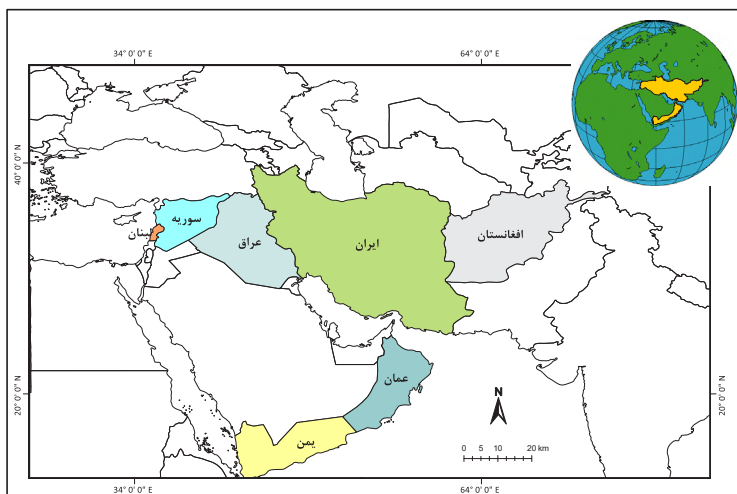


در منطقه برای کنترل نفوذ چین در منطقه به کار گرفته شود و صلح و امنیت در خاورمیانه در راستای هدف فوق، مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس نظر کارل دوویچ که ایده جامعه امن را مطرح کرده است، دو نوع جامعه امن وجود دارد: ۱. جامعه امن ادغام شده؛ ۲. جامعه امن کثرت‌گرا. در یک جامعه امن ادغام شده، دو یا چند واحدی که در گذشته مستقل بودند با هم ادغام می‌شوند و یک واحد بزرگ‌تر را به وجود می‌آورند که دارای یک واحد است. در مقابل واحدهایی که یک جامعه امن کثرت‌گرا را تشکیل می‌دهند، استقلال قانونی دولت خود را حفظ می‌کنند (شفیعی، ۱۳۸۹: ۴). مشخص است که جامعه امن میان اعضای اتحادیه کشورهای محور مقاومت از نوع کثرت‌گراست. این پژوهش در پی آن است که با توجه به شرایط جهانی، تدابیر و راهکاری را که می‌تواند نقش محوری تأثیرات منطقه‌ای ایران را تحقق بخشد، تشریح کند.

گستوه پژوهش

قلمرو پژوهش در فاصله مختصاتی 12° تا 39° عرض شمالی و 35° تا 75° طول شرقی، در جنوب غرب آسیا با وسعت $3/769/206$ کیلومتر مربع قرار گرفته است. این قلمرو از منظر تقسیمات سیاسی جهان شامل کشورهای ایران، افغانستان، عراق، عمان، یمن، سوریه و لبنان است (نقشه ۱) و بر اساس آخرین آمار جمعیت کشورهای جهان در سال ۲۰۱۵، ارائه شده در سایت بانک جهانی^۱ جمعیت منطقه بالغ بر $203/773/402$ نفر است.



نقشه ۱: موقعیت مکانی قلمرو پژوهش

1. <https://databank.worldbank.org/home.aspx>

روش پژوهش

به منظور انجام پژوهش، با واکاوی اسناد و مدارک علمی موجود با رویکرد زمینه‌ای، از روش پدیدارشناسی با رویکرد تحلیل هایدگری استفاده و به استنتاج جریان تحولات و تحلیل روند تحولات آینده در جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق پرداخته شد.

بحث و نتایج

نقش منطقه‌ای ایران در اصول پنج‌گانه الگو (مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر) موضوعی است که بارها بدان اشاره شده است. بدون تردید تحقق این موضوع با ایجاد راهکارهای مشخصی امکان‌پذیر است. از این رو در این پژوهش ابتدا توجه به دو تحول منطقه‌ای و سپس ضرورت تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای تبیین می‌شود.

۱. خلأ قدرت در منطقه

چندین دهه خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس و تنگه استراتژیک هرمز، از اصلی‌ترین مناطق جهان در سیاست خارجی آمریکا بوده‌اند. دلایل متعددی از جمله تسلط بر منابع نفتی، تضمین امنیت رژیم صهیونیستی، فروش سلاح، مهار قدرت‌های منطقه، بازداشتن قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ... برای این اهمیت بیان شده است. اما اکنون آمریکا رویکردی متفاوت با گذشته را در قبال این منطقه پیش گرفته است. در نتیجه تغییرات به وجود آمده در سیاست خارجی آمریکا و تمرکز بر منطقه آسیای شرقی و همچنین کشف میدان‌های نفتی در آمریکا، از اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی این کشور کاسته شده است.

آمریکا در چند سال اخیر به صادرکننده نفت تبدیل شده و این بدان معنی است که اگر از نفت خاورمیانه هم چشم‌پوشی شود، تأثیر اندکی بر اقتصاد غرب خواهد داشت. دلیل این مدعا حمله یمنی‌ها به آرامکو بود. تأثیری که این واقعه بر اقتصاد غرب گذاشت کمتر از ۵ درصد بود و به سادگی جبران شد.

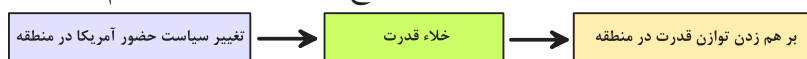
همچنین تفوق و برتری آمریکایی‌ها به عنوان یک ابرقدرت در نوآوری‌های تکنولوژیک آنها خلاصه و در حال حاضر این برتری به شدت از جانب چین تهدید می‌شود. رهبری مطلق چین در پرونده‌های ثبت اختراع از مسائل درخور توجه در روند تحولات آینده جهان در



جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق است. چین در ادامه روند صعودی و شتابان خود در زمینه نوآوری و ثبت اختراع، خود را در قامت رهبر جهانی ثبت اختراع معرفی کرده است. این کشور در سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۱/۵۴ میلیون پتنت^۱ به ثبت رسانده که با سهمی ۴/۴۶ درصدی از کل پرونده‌های ثبت اختراع در سطح جهان، رکوردی جدید در این زمینه را از آن خود کرده است. به نظر می‌رسد چین با اعتماد به این موتور محرکه و پیشران نوآوری، حرکت در مسیر توسعه و دستیابی به فناوری‌های کلیدی را در دستور کار خود قرار داده است (کانون پتنت ایران،^۲ ۱۳۹۸). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت محور اصلی استراتژی آمریکا برای ماندن در قلمرو ابرقدرتی برتر دنیا چیز دیگری جز منابع انرژی است و آن کانون را باید در کنترل تنگه مالاکا و توقف جریان انتقال فناوری از آمریکا به چین جست‌وجو کند.

میرشایمر (۱۳۹۶) اقدامات دولت فعلی آمریکا در منطقه را به معنای اولویت خاورمیانه برای آمریکا نمی‌داند، بلکه معتقد است همه اقدامات آمریکا در منطقه ناشی از کنترل نفوذ چین در منطقه است.

تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا خطرهای زیادی برای منطقه در پی دارد؛ زیرا هرگونه تغییر در معادله قدرت در خاورمیانه، توازن قوا را میان قدرت‌های منطقه‌ای برهم می‌زند (نمودار ۱) و بر ناامنی و آشوب در خاورمیانه می‌افزاید تا زمانی که خلأ حضور آمریکا از سوی کشوری، یا ائتلاف منطقه‌ای یا حتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای پر شود. بنابراین در نتیجه سیاست‌های فوق، بازیگران تأثیرگذار در منطقه همچون عربستان، ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی، خلأ قدرت در منطقه را در راستای منافع و امنیت ملی خود ترسیم می‌کنند.



نمودار ۱

به طور کلی طرح‌های متعدد آمریکا در خاورمیانه و آسیای غربی با شکست و ناکامی مواجه شده است از جمله طرح خاورمیانه جدید که محور مقاومت مراحل اجرای آن توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی را ناکام گذاشت. از قدمت طرح «خاورمیانه جدید» بیش از ۵۰ سال می‌گذرد و شکل‌گیری این هدف، به دوره ریاست جمهوری ویلسون طی جنگ جهانی اول باز می‌گردد؛ اما در ژوئن ۲۰۰۶ وزیر خارجه وقت آمریکا، خانم کاندولیزا رایس، به

1. Patent
2. <https://patentoffice.ir>

طور رسمی آن را در تل آویو به دنیا معرفی کرد. از این روناکامی آمریکا در دهه دوم انقلاب اسلامی برای اجرای طرح کلان خاورمیانه بزرگ و تجزیه ایران که طراحی های دیپلماتیک ایران، این طرح را خنثی کرد، از عمده ترین شکست های آمریکا در منطقه بوده است.

حدود یک دهه قبل که آمریکا به این نتیجه رسید که منطقه غرب آسیا دیگر با وضعیت کنونی، حافظ منافع این کشور نخواهد بود، سیاستی با راهبرد حذف دولت های ملی گرا و زمینه برای تجزیه کشورهای منطقه را پیش گرفت. این سیاست ابتدا با لشکرکشی به افغانستان و عراق و تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان آغاز شد، اما سرانجامی نداشت. سپس تلاش کردند با ایجاد گروه های تروریستی - تکفیری همانند داعش، زمینه خاورمیانه بزرگ یا جدید و تجزیه منطقه را از سوریه و عراق آغاز کنند. آمریکا در جلوگیری از شکست گروه تروریستی داعش ناکام ماند و در نهایت با تلاش نیروهای محور مقاومت، این گروه تکفیری شکست خورد. طرح های آمریکا برای جلوگیری از نفوذ روزافزون ایران در منطقه و شکل گیری عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا نیز با ناکامی روبه رو شد. در اینجا می توان بیان کرد که عامل اصلی شکست طرح های متعدد منطقه ای آمریکا، محور مقاومت بوده است.

یکی از چالش های اصلی آمریکا در برابر ایران و محور مقاومت موضوع قدرت ملی بوده است. از شاخص های مهم قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت، بهره گیری از قدرت سخت و قدرت نرم بوده است. از دیدگاه جوزف نای، مفهوم قدرت به نوع سخت، نرم و هوشمند تقسیم می شود. در اندیشه وی، قدرت سخت را می توان قدرت کمی دانست که منابع این قدرت برای هر کشوری به طور طبیعی قابل دیدن، اندازه گیری و شمارش هستند و قدرت نرم چهره های نرم افزاری و جذاب دارد. وی معتقد است قدرت نرم روشی است برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس. همچنین از دید وی، منابع قدرت نرم هر کشوری تا حد زیادی ریشه در سه منبع بنیادین دارد که شامل فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی است (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

میشل فوکو، اندیشمند فرانسوی، معتقد است در قدرت نرم، روی ذهنیت ها سرمایه گذاری می شود. در این نوع قدرت، از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش ها و از الزام به همکاری در راستای رسیدن به خواست ها بهره گیری می شود. اگر بازیگری موفق شود قدرت خود را



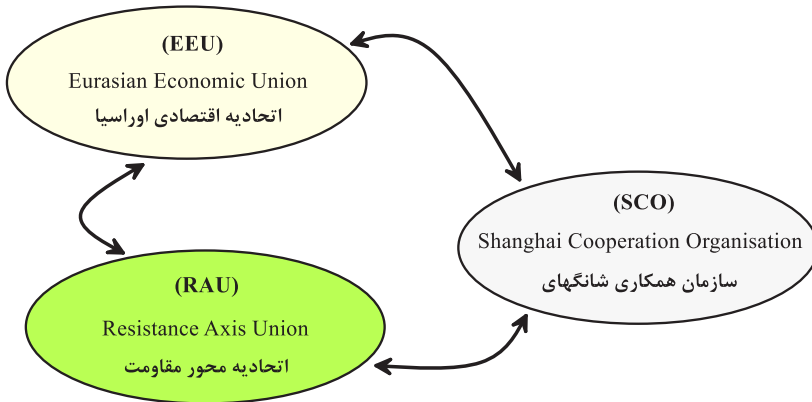
در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد و نهادهایی تأسیس کند که دیگران علایق خود را براساس ضوابط آن نهادها هماهنگ کنند، دیگر نیازی نیست بازیگر مسلط به شیوه سنتی عمل کند و برای تحقق خواست خود از نیروی نظامی بهره گیرد. اگر فرهنگ و ایدئولوژی بازیگر مسلط جذابیت داشته باشد، دیگران با شوق و سرعت وصف ناشدنی در راستای هدف مد نظر قدرت مسلط حرکت و حتی فکر خواهند کرد (گروه مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷: ۴۴). نکته درخور توجه این است که ایران منبعی عظیم از قدرت نرم را همواره داشته که شاید بتوان گفت استفاده از آن در وضعیت و موقعیت کنونی، اهمیتی انکارناپذیر دارد (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

۲. ضرورت تشکیل اتحادیه منطقه‌ای

براساس رویکرد و عملکرد کشورهای خارج از منطقه (چین و آمریکا) باید به نکته‌ای ساختاری در تغییر مدیریت منطقه‌ای اشاره کرد و آن اینکه خروج آمریکایی‌ها از منطقه اکنون امری تأییدشده است که خلأ سیاسی و ناآرامی‌های قومی و امنیتی را در منطقه به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، عملکردهای یکجانبه‌گرایی آمریکایی‌ها سبب تقویت دو اتحادیه آسیایی در منطقه شده است که در آینده احتمال موازنه اقتصادی را نیز نباید در این زمینه از نظر دور داشت.

بنابراین ضرورت تشکیل اتحادیه منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی به موضوع توازن قدرت منطقه‌ای در برابر سایر اتحادیه‌ها مانند اتحادیه شانگهای و اوراسیا معطوف است (نمودار ۳). اگرچه ما با تعامل با اتحادیه شانگهای و اوراسیا قادر به مقابله با یکجانبه‌گری‌های غرب خواهیم بود، ولی از آنجا که اهداف راهبردی فرهنگی ما با اتحادیه‌های مذکور متفاوت است، نباید از احتمال فشارهای آنها در آینده غافل بود و وجود یک اتحادیه تعادل و موازنه قدرت در برابر آنها را امکان‌پذیرتر خواهد کرد.

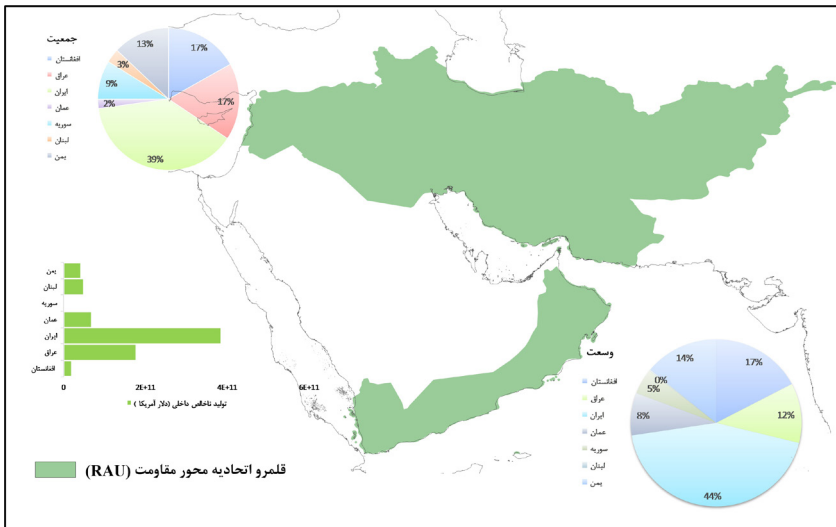
ایران در شرایط فعلی می‌تواند به عنوان مکمل قدرت اتحادیه‌های شانگهای و اوراسیا امکانات مناسبی را در اختیار آنها بگذارد و از این تعامل در برابر غرب بهره‌های فراوانی ببرد.



نمودار ۲: تشکیل اتحادیه منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی

۳. تشکیل اتحادیه محور مقاومت (RAU)

در گام اول این سؤال مطرح می‌شود که کشورهای عضو این اتحادیه کدام خواهند بود؟ کشورهای ایران، سوریه، عراق، لبنان و یمن به عنوان کشورهای محور مقاومت مطرح هستند. در تشکیل اتحادیه محور مقاومت علاوه بر این پنج کشور، دو کشور افغانستان و عمان هم پیشنهاد می‌شوند. در نقشه ۲ قلمرو این اتحادیه تعیین حدود شده و در جدول ۱ برخی از اطلاعات مقایسه‌ای کشورهای تنظیم شده است.



نقشه ۲: قلمرو اتحادیه محور مقاومت

جدول ۱: برخی اطلاعات مقایسه‌ای کشورهای اتحادیه محور مقاومت

کشور	حروف اختصاری کشور	جمعیت کل (نفر)	رشد جمعیت (% سالانه)	مساحت (کیلومتر مربع)	تولید ناخالص داخلی (دلار آمریکا)	رشد تولید ناخالص داخلی (% سالانه)	تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار آمریکا)
افغانستان	AFG	۳۴۴۱۳۶۰۳	۳,۰۷۷,۰۳۵۹۵	۶۵۲۸۶	۱۹۹,۷۱۱,۴۱۹	۱,۴۵۱,۲۱۴۶۵	۵۷۸,۴۶۳,۵۲۹
عراق	IRQ	۳۵۵۷۲۲۶۱	۳,۳۱۶,۲۳۱۹۱	۴۳۵۵۲	۱,۷۷۴۹۹E+۱۱	۲,۲۷۷,۶۶۴۶۷	۴۹۸,۸۰۳,۰۷۵
ایران	IRN	۷۸۴۹۲۲۱۵	۱,۳۱۶,۳۵۰,۵۹۸	۱,۶۴۸,۱۹۵	۳,۸۵۷,۲E+۱۱	-۱,۳۲۰,۶۴۵۱۲	۴۹۱۶,۸۵۵,۳۸
عمان	OMN	۴۲۶۷۳۴۸	۵,۷۹۰,۶۳۱,۳۰۳	۳۰۹۵۰	۶۸۹,۲۱۴,۵۶۳۷	۴,۷۴۱,۵۰,۷۱۷	۱,۶۱۵,۸۷۲,۶
سوریه	SYR	۱۷۹۹۷۴۸	-۳,۹۱۳,۵۰۰,۲۱	۱۸۵۱۸
لبنان	LBN	۶۵۳۲۶۸	۴,۲۲۵,۸۷۱,۳۶	۱۰۴۵	۴۹۹,۷۳۸,۹۳۰,۱	-۱,۴۱۵,۳۰,۷۶۵	۷,۶۲۹,۸۳۲,۶۱۱
یمن	YEM	۲۶۶۹۷۸۸۹	۲,۵۷۸,۷۰۲,۲۴	۵۲۷۹۰	۴۲۶,۲۳۲,۸۱۲	-۱۶,۶۷۸,۶۲۱,۳	۱۶,۸۷۴,۴۲۱,۲

پایگاه اطلاعاتی شاخص‌های توسعه جهانی^۱ در بانک جهانی (۲۰۱۵)

گام دوم تعیین شاخص‌های فرهنگی است که می‌تواند پیوند و همگرایی را بین کشورهای عضو ایجاد کند. گام سوم گزینش شاخص‌های توسعه اقتصادی و بازار مشترک است که یکی دیگر از انگیزه‌های شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای به شمار می‌آید. جابه‌جایی آزاد پول، مردم، کالا و خدمات در کشورهای عضو اتحادیه و به جریان افتادن پول واحد، مشخص کردن مقر اتحادیه، تصویب قوانین واحد، شهروندی مشترک، سیاست مشترک خارجی و امنیتی، ایجاد پرچم و سرود اختصاصی، پاسپورت متحدالشکل نیز می‌تواند از دستاوردهای تشکیل و توسعه این اتحادیه برای شهروندان کشورهای عضو باشد.

تشکیل این اتحادیه می‌تواند ماهیت و اهمیت آسیای جنوب غربی را متحول کند و توازن قوا را در منطقه تغییر دهد. بنابراین در گام بعدی باید نهادهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظام‌های حقوقی همچون پارلمان مشترک، کمیسیون مشترک، دیوان عدالت، بانک مرکزی و ... خلق شود.

در تشکیل این اتحادیه و کارآمدی آن باید به دنبال این قضایا باشیم:

- هر کدام از کشورهای عضو در چه زمینه و با چه سهمی می‌توانند مشارکت کنند؟
- با توجه به تفاوت‌های ساختار اجتماعی این کشورها، چگونه می‌توان ساختار مدیریتی شناوری ایجاد کرد که مشارکت جمعی در درون اتحادیه قوام یابد.



- سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد نیاز در شکل‌گیری این اتحادیه کدام‌اند و چه ساختارهایی باید داشته باشند؟

- ملزومات تشکیل پارلمان مشترک، پول مشترک و تعاملات تجاری مشترک چگونه می‌تواند تعریف و ایجاد شود؟

- شاخص‌های تعرفه‌های گمرکی و مزیت‌های نسبی در کشورهای اتحادیه در چه فضای متنی باید تعریف شوند.

طرح این ایده در تحقق آرمان‌ها و اهداف الگوی اسلامی پیشرفت می‌تواند زمینه‌ساز یک دیپلماسی فعال در منطقه و شکل دادن فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در حوزه پیشرفت تلقی شود و در قالب آن می‌توان زیرساخت‌های لازم برای پیشرفت همه‌جانبه همه کشورهای عضو را فراهم کرد تا فقط به یک رابطه یا معامله تجاری کوتاه‌مدت ختم نشود.

نتیجه‌گیری

اگرچه بسیاری از شاخص‌های تشکیل اتحادیه منطقه‌ای (برای مثال تعرفه‌های ترجیحی، برداشتن ویزا، و معاهدات تجاری مشترک و ...) با محوریت ایران در حال شکل‌گیری است، ولی این نکته را نباید فراموش کرد که آنچه با عنوان تحریم شکل گرفته به کشورهای منطقه به ویژه عراق، سوریه، لبنان و... نیز سرایت خواهد کرد و استمرار حرکت تعامل با دنیا مستلزم وجود یک مرکز قدرتمند تجاری-اقتصادی با تعامل سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه شانگهای و اوراسیا و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی در ایران را در گرو برپایی چنین اتحادیه‌ای مفروض تعبیری ادامه و استمرار حرکت اسلامی در ایران را در گرو برپایی چنین اتحادیه‌ای مفروض دانست؛ زیرا خلأ قدرت در منطقه با خروج آمریکایی‌ها پیامدی جز ناپایداری سیاسی کشورها نخواهد داشت و این ناپایداری می‌تواند به هضم کشورهای منطقه در اتحادیه‌های منطقه‌ای رقیب غرب یا وابستگی بلامنازع آنها به متحدان عربی-عبری منجر شود. ضرورت پرداختن به این موضوع تنها به رخدادهای منطقه‌ای هم محدود نمی‌شود و تحقق الگوی اسلامی پیشرفت و دستیابی آن به تمدن دریایایه و قاره‌پایه از یک سو و ایجاد موازنه قدرت بین اتحادیه‌های رقیب با غرب نیز لازمه نقش‌آفرینی ایران در پیشرفت توسعه منطقه بر اساس اصول و مبانی فرهنگ اسلامی است.



به طور کلی می‌توان رابطه این پژوهش را با نقش منطقه‌ای ایران در اصول پنج‌گانه الگو در موارد زیر بیان کرد:

۱. الزام ایران در الگو بودن به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای اتحادیه پیشرفته منطقه‌ای؛
۲. تحقق یکی از اهداف ایران در افق به عنوان تمدن دریاپایه و قاره‌پایه؛
۳. پر کردن خلأ قدرت در منطقه؛
۴. ایجاد موازنه قدرت بین اتحادیه‌های رقیب غرب و منطقه اوراسیا؛

منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله و حمید نیکو (۱۳۹۳)، «جایگاه فرهنگ در هویت مشترک اروپایی و همگرایی اتحادیه اروپا»، **مطالعات روابط بین الملل**، دوره ۸، ش ۲۹.
- افصلی، رسول، یشار ذکی و محمدحسین دشتی (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، **پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، س ۸، ش ۲.
- بال، هدلی (۱۳۶۸)، «توازن قدرت و نظم بین‌المللی»، ترجمه علیرضا طیب، **مجله سیاست خارجی**، س ۳، ش ۳.
- بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
- حقانی، زهرا السادات (۱۳۹۷)، **اهمیت راهبردی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، استاد راهنما سید شمس‌الدین صادقی، دانشگاه رازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- سازمند، بهاره، ابوالفضل عظیمی و علی‌اکبر نظری (۱۳۸۹)، «نظریه موازنه قدرت والتز: نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر»، **فصلنامه روابط خارجی**، س ۲، ش ۴.
- شانکار، راجا، انور شاد، بابک دایی، محمدمیر کمالی و شهرزاد نصیری (۱۳۸۸)، «درس‌هایی از سیاست‌های اتحادیه اروپا برای توسعه منطقه‌ای»، **مجله اقتصادی**، س ۹، شماره ۹۵-۹۶.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای و نسل سوم منطقه‌گرایی در آسیا»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، س ۱۴، دوره ۴.
- شفیعی، نوذر و زهرا محمودی (۱۳۸۹)، «سازمان همکاری شانگهای؛ جامعه امن نوظهور»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۷۲.
- صالحی، مختار و رحمان زارع (۱۳۹۶)، «خلأ قدرت و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، س ۱۰، ش ۴۰.
- فتاحی اردکانی، حسین، حسین مسعودنیا، سیدجواد امام جمعه‌زاده (۱۳۹۷)، «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم، هوشمند)»، **مطالعات قدرت نرم**، س ۸، ش ۱۸.
- کانون پتنت ایران، (۱۳۹۸)، «رهبری مطلق چین در پرونده‌های ثبت اختراع سال ۲۰۱۸»
<https://patentoffice.ir>



- کمایی‌زاده، یونس (۱۳۸۹)، تأثیر جهانی شدن بر منطقه‌گرایی با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- کورمیک، جان مک (۱۳۹۰)، اتحادیه اروپا سیاست‌ها و روندها، مترجمان ذولفقاری و احمدی معین، چ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- گروه مطالعات امنیتی (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مرادی، فتح اله (۱۳۸۷)، «سازمان همکاری شانگهای، قدرتی توازن‌بخش»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۲.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۶)، «الگوی ائتلاف‌سازی منطقه‌ای ایران برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز»، مجله نگرش راهبردی، ش ۸۷.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱)، «پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۸، ش ۳.
- میرشایمر، جان (۱۳۹۶)، سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، سخنرانی در مؤسسه مطالعات آمریکا و اروپا (یوریکا)، ایران، تهران.
- میرفخرایی، هوشمند (۱۳۶۶)، «مباحث روابط بین‌الملل نظریه موازنه قوا»، مجله سیاست خارجی، ش ۳.

منابع انگلیسی

- Treaty on the Eurasian economic Union, Un, 2016.
- <https://databank.worldbank.org/home.aspx>

